

# خطر شکل‌گیری دو قطبی حجاب

صدیقه شکوری‌راد، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «اعتماد» از تاثیر روش‌های تند و خشن در امور فرهنگی می‌گوید

## زنان ایرانی بر اساس عرف متانت را انتخاب می‌کنند

برای ترویج حجاب، باید قدمشترک موجود بین علمای دینی را به عنوان حجاب در جامعه مطرح کرد

این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اسلامی چنین نگاهی به مقوله حجاب وجود ندارد و حجاب نقشی سیاسی در این جوامع ندارد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، اتباع سایر کشورهای غیرمسلمان می‌توانند با حجاب موردنظر خود تردد کنند، ضمن اینکه نگاه به پوشش زنان حداکثری نیست.

اما آیا این رویکرد باعث افزایش اقبال عمومی نسل‌های ایران به امر حجاب شده است؟

واقعیت‌های اجتماعی و تجربه‌های سیاسی و تاریخی همه جوامع نشان می‌دهد از طریق اجبار، دستور و بخشنامه نمی‌توان یک گزاره فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی را نهادینه کرد. حتی عالمان علوم اقتصادی، تاکید دارند، با بخشنامه، دستور و زور نمی‌توان نظم و نظامات بازارها را کنترل کرد. وقتی بازارها را به عنوان یک اکوسیستم، نمی‌توان از طریق زور و بخشنامه، کنترل کرد، طبیعی است که فضای عمومی یک جامعه زنده را نیز نمی‌توان از طریق زور، گشت ارشاد و دستور وادار به انجام کاری کرد. اتفاقاً در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌های متعددی از شکست رفتارهای سلبی با مقولات فرهنگی وجود دارد. رضاشاه به دنبال این بود که از طریق برداشتن حجاب از سر زنان، ایران را در مسیر توسعه، تجدد و صنعتی شدن! قرار دهد؛ در هر کوی و برزن و میدانی مامورانی به کار گماشته شدند تا زنان را

از داشتن حجاب منع کرده و پوشش مورد نظر شاه پهلوی را ترویج کنند. مادر بزرگ من تعریف می‌کرد، زمانی که رضاشاه حکم به کشف حجاب داد، دختران ایرانی تقریباً در خانه‌ها حبس شدند. دخترانی ایرانی که پیش از این حکم، درس می‌خواندند و به مدرسه می‌رفتند، حتی برای دید و بازدید اقوام و آشنایان خود با مشکل مواجه شدند. در واقع قانونی که قرار بود باعث پیشرفت زنان شود، باعث زندانی شدن زنان شد. در آینده هم پوچی این قانون ثابت و در دوره پهلوی دوم این قانون بیسر و صدا کنار گذاشته شد. روی دیگر این نوع رفتار سلبی، ترویج حجاب به صورت اجباری، دستوری و خشن است.

**برخی اشاره می‌کنند که سلامت اجتماعی تنها از طریق حجاب زنان محقق می‌شود. این گزاره به نظر شما درست است. سالم‌سازی جامعه تنها وظیفه زنان است؟**

من با این گزاره مخالفم، نباید سلامت اجتماعی را برابر با حجاب داشتن زنان دید. در سلامت جامعه، هم زنان و هم مردان نقش دارند. ضمن اینکه آثار برآمده از حجاب اجباری، حاکی از ضرورت اصلاح روش‌هاست. 44 سال از انقلاب می‌گذرد. بسیاری از دختران نسل انقلاب (مثل من و هم‌نسلان من) با انقلاب محجبه شدند و هنوز هم محجبه مانده‌اند. اما بسیاری از دخترانی که در دوران انقلاب متولد شده‌اند، اعتقادی به حجاب ندارند. این گزاره چه می‌گوید؟ یعنی اینکه روش‌های تند و دستوری و اجباری باعث شکل‌گیری مقاومت می‌شود. حتی در بسیاری از خانواده‌های مذهبی، شاهد فرزندی هستیم که با حجاب مخالفند. بسیاری از چهره‌های سیاسی که رفتارهای رادیکال در خصوص حجاب داشتند، فرزندان کم حجاب (اگر نگوییم بی‌حجاب) دارند که امروز در زمینه مدلینگ فعالیت می‌کنند. ذات انسان این‌گونه است که در برابر اجبار مقاومت می‌کند. اگر فرهنگ‌سازی حجاب از ابتدای انقلاب به درستی صورت گرفته بود و به جای اجبار از روش‌های نرم، رسانه‌ای و هنری استفاده می‌شد، امروز شرایط جامعه این‌گونه نبود. رویکردهای اجباری به گونه‌ای رایج شد که حتی در زمان پیامبر هم این‌گونه رفتار نمی‌شد. در زمان پیامبر اکرم (ص) زنانی که مسلمان نبودند، حجاب نداشتند. اساساً در آن ایام کنیزان حجاب نداشتند. (موضوعی که امام (ره) در وسیله‌النجات به آن اشاره کرده‌اند) اما در ایران برخی حتی از احکام اسلام نیز پیش افتاده‌اند.

**فارغ از واقعیت که حجاب يك امر دینی است که جامعه را از ناهنجاری‌ها باز می‌دارد، آیا میدان گفت‌وگو در خصوص حجاب، کف جامعه است یا در محیط‌های رسانه‌ای، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی؟**

اگر به حجاب به عنوان يك پدیده‌ار مهم اجتماعی نگاه شود، محل بحث و تبادل نظر در خصوص آن محیط‌های دانشگاهی، رسانه‌ها و کرسی‌های

آزدانديشي است. اينكه دو قطبي باحجاب و بيحجاب شكل بگيرد و به سطوح ميداني جامعه كشانده شود، باعث شكلگيري تصاويري از جنس تصاويري كه امروز در شبكه‌هاي اجتماعي ديديم، ميشود. دو گروه در اتوبوس درون شهري ناگهان با هم درگير ميشوند و همدیگر را ميزنند. شما ببينيد در همين هفته كه با عنوان هفته عفاف و حجاب، نام گرفته، کدام بحث قوي و علمي با حضور طرفه‌هاي موافق و مخالف در صدا و سيما، محيطه‌هاي دانشگاهي و رسانه‌اي شكل گرفته است. يكسري محتواي غيرعلمي و سطحي با صرف هزينه‌هاي ميلياردی ترويج ميشود، بدون اينكه موضوع از منظر علمي و آكادميك بررسي شود.

### **اما چطور ميشود اين دو قطبي‌سازي را درخصوص حجاب متوقف ساخت؟**

مساله اين است كه حجاب از موضوعي اعتقادي به يك گزاره سياسي بدل شده است. مردم هم (درست يا غلط) احساس مي‌كنند، سيستم از طريق دستور و بخشنامه و جریمه قصد دارد يك شكل مشخص از حجاب را ترويج كند. اما بايد محيطه‌هاي رسانه‌اي و علمي کشور به صحنه تضارب آرا بدل شود. عالمان علوم ديني، متخصصان جامعه‌شناسي، روانشناسان و... بايد در اين خصوص به بحث و تبادل نظر پردازند. از سوي ديگر، برخي افراد راديكال، حجاب را به شكلي طرح کرده‌اند كه حتي بيشتري از شيوه‌ها ابتدای اسلام است. عنوان ميشود زن‌ها بايد چادر مشكي سر كنند، زير چادر هم مانتوي مشكي يا سرمه‌اي تن كنند، هر نوع پارچه رنگ روشني را هم تبرج محسوب مي‌كنند. اين در حالي است كه هيچ کدام از اين بايدها در صدر اسلام مطرح نبوده است. حتي براي ترويج حجاب، بايد قدرمشتك موجود بين علماي ديني را به عنوان حجاب در جامعه مطرح كرد، اما برخي گروه‌هاي سياسي، دیدگاه‌هاي حداكثري گروهی از علماي خاص را مبنا قرار داده‌اند.

### **اين نگاه سياسي حداكثري تا چه اندازه به مسير رشد زنان در حوزه‌هاي مديریتی آسيب زده است؟**

اين روند باعث شده تا برخي زنان داراي صلاحيت نتوانند در عرصه‌هاي مديریتی سطح بالا حضور داشته باشند. يك زن به دليل اعتقاد خاصي كه نسبت به پوشش دارد و اين نگاه با نگاه حداكثري برخي جريان‌ها تفاوت دارد، نمي‌تواند وارد عرصه سياسي و مديریتی کشور شود. بايد توجه داشت اكثريت دختران و زنان ايراني به حجاب اعتقاد دارند، مخالفت‌ها نسبت به دیدگاه‌هاي افراطي است. از سوي ديگر بايد توجه داشت، حجاب امري عرفي است. خاطر م هست در سال‌هاي ابتدای انقلاب داستاني براي ما تعريف ميشد كه يكي از زنان کشور با امام (ره) دیدار مي‌كنند كه بلوز و دامن و جوراب رنگ پا پوشيده بودند و يك روسري کوتاه هم داشتند، اين زن از امام (ره) پرسیده بود آیا اين حجاب قابل قبول است؟ امام (ره) هم اشاره کرده بودند كه بله اين

حجاب کامل است.

عباس عبدي هم اخيرا اشاره کرده که براساس برخي فتاوا پوشش مرد به اندازه‌اي است که عورت او را بپوشاند و بعد تاکيد داشتند که مردها براساس عرف جامعه، خود را بيشتري از اين بايدها مي‌پوشانند. آقاي عبدي معتقد بودند درباره زنان هم اگر عرفي نگاه شود، بانوان براساس عرف جامعه پوشش مناسبي را انتخاب مي‌کنند.

من هم موافقم، البته همواره در هر جامعه‌اي ممکن است برخي جريانات هنجارشکن داشته باشند، اما اکثريت قريب به اتفاق مردم ايران به اخلاقيات پايبندی دارند. اساسا هر انساني به دنبال امنيت بيشتري است، اگر به زنان ايراني اجازه داده شود که مبتني بر اعتقادات خود و عرف جامعه پوشش داشته باشند، شك نکنيد که جامعه تفاوتی با شرايط امروز نخواهد داشت و حتي در برخي جهات بهتر هم خواهد شد. حتي در کشورهاي غربي هم براساس عرف در مکان‌هاي مختلف لباس انتخاب مي‌کنند، هيچ کس در محيط کار خود لباسی را که در پارتي مي‌پوشد به تن نمي‌کند. در صورت دادن آزادي، زنان ايراني بي‌گدار به آب نميزنند و بعد از مدتي فضاي تعلیق، جامعه نقطه ثقل اخلاقي خود را پيدا مي‌کند. در متون ديني و تاريخي هم هيچ جا اشاره نشده که پیامبر به اجبار حجاب را ترويج کرده‌اند. تا سال هشتم هجري که آیات حجاب نازل شد، زنان براساس عرف و به شيوه‌اي اخلاقي پوشش مناسبي داشتند و بعد از نزول آیات حجاب هم تغيير بنياديني ايجاد نشد.

**آيت‌الله هاشمي رفسنجاني معتقد بودند راه حل باز کردن برخي گره‌هاي خاص در جامعه ايراني در حوزه مسائل خاص سياسي، اجتماعي، فرهنگي و... در فقه پوياست. فکر مي‌کنيد، موضوع حجاب را نيز مي‌توان از اين طريق حل و فصل کرد؟**

آيت‌الله هاشميرفسنجاني انجام مي‌دادند، آيت‌الله مطهري در کتاب «اسلام و مقتضات زمان» و «حقوق زن در اسلام» اين مسائل را طرح مي‌کردند که چه راهکارهايي در فقه و دين اسلام وجود دارند که اين فرصت را مي‌دهد که احکام را بر اساس مقتضيات فرهنگي، اجتماعي و سياسي به‌روزآوري کنيم. از اين ظرفيتها بايد استفاده شود و به تناسب موقعيت و نقشي که زنان دارند، احکام را به‌روزآوري کنيم. نقشي که امروز زن در خانواده دارد و همراه با مرد در فرآيند نان‌آوري مشارکت مي‌کند با شرايط گذشته متفاوت است. وضعيت اقتصادي به گونه‌اي است که اگر زنان در روند کسب درآمد نقش‌آفريني نکنند، چرخ معيشت خانواده‌ها به گردش نمي‌آيد. براساس اين تغييرات بايد درخصوص به‌روزآوري احکام نيز اقدام کرد و در بخش‌هايي چون ارث زنان، شهادت زنان، پوشش زنان، حضانت فرزندان و... نگاه نويني را

جاري و ساري ساخت. در قرآن نيز خداوند از فرزندان انسان ميخواهد که مدام نگويد که چون پدران خود را به روشي يافته او نيز بر همان روش قدم گذاشته است. خداوند انسان را به فرزند زمان خود بودن و استفاده از عقلانيت و تفکر فراميخواند. اگر بدانيم.

---

متاسفانه مساله حجاب در جامعه ايراني به يك كلاف سر درگم بدل شده است. بنا به دلايل گوناگون مساله حجاب در ايران به يك مساله سياسي بدل شده است که تصميمگيري عاقلانه درخصوص آن را دشوار ميکند. يك نوع حجاب خاص (چادر مشكي و...) در ايران به يك نماد بدل شده تا از طريق آن اسلامي بودن جامعه ايران نمايان شود. در واقع تمايز ايران با ساير کشورهاي اسلامي و غير اسلامي به اين نوع پوشش مرتبط شده و مسوولان کشور گمان ميکنند هر نوع تغيير در اين وضعيت، به معنای تغيير در کل ساختار سياسي است. اين در حالي است که در بسياري از کشورهاي اسلامي چنين نگاهی به مقوله حجاب وجود ندارد و حجاب نقشي سياسي در اين جوامع ندارد. در بسياري از کشورهاي اسلامي، اتباع ساير کشورهاي غيرمسلمان ميتوانند با حجاب موردنظر خود تردد کنند، ضمن اينکه نگاه به پوشش زنان حداکثري نيست.

منبع: [www.iranicaonline.com](#) 26 [www.iranicaonline.com](#) 1401